

چندوقتی بود که کمتر از قبل، اخبار ومسانیلی پیرامون طرح صیانت مطرح می شدوشاید برخی هم فکر می کنندماجرای صیانت از فضای مجازی وآن طرح ونقشه‌های برخی نمایندگان مجلس به نه خط رسیدو دیگر خبری از آن نیست. اما خب این کمتر شدن حواشی طرح صیانت وجایگزینی مسائل دیگر اصلا به معنی دست‌برداشتن از آن طرح پرحاشیه‌نیست وباخبری هم کهیکی دوروزاخیریکی از نمایندگان مجلس داد،نگرانی‌ها درباره آینده فضای مجازی در کشور ودسترسی به برخی پلتفرم‌ها تقویت ودوباره بر سر زبان‌ها افتاد. ماجرا آن قدر عیان بود و همه پیگیر آن بودند که نیاز به بازخوانی مفصلی ندارد. آخرین خبر هم این بود که طرح صیانت به‌دستور رئیس مجلس به شورای عالی فضای مجازی رفت تا آنها در ارتباط با سیاستگذاری وقانونمند کردن فضای مجازی در ایران تصمیم‌گیری کنند. بیش ازاین، می‌شوداطلاعی که غلامرضانوری،رئیس فراکسیون مستقلین ولایی مجلس داد ودر ارتباط با این خبر وآینده تصمیم‌گیری‌ها در ارتباط با فضای مجازی به چند ابهام و چند فرضیه اشاره خواهیم کرد و بعد هم از ابعاد حقوقی و فنی آخرین تحولات رخ‌داده در مسیر بررسی طرح صیانت خواهیم گفت.

هم‌توسیه‌حساب باشورای عالی فضای مجازی، هم احتمال فیلتر اینستاگرام
غلامرضا نوری، رئیس فراکسیون مستقلین ولایی مجلس ناظر به مصوبه‌یبحث‌برانگیز دو هفته‌ی پیش مجلس در ارتباط با دیوان عدالت اداری و آخرین تحولات طرح صیانت در ششورای عالی فضای مجازی، گفت: «یک ماه قبل در جریان بررسی طرح شفافیت، پیشنهاد دادم جلسات، نظرات و آرای شورای عالی فضای مجازی شفاف شود که تصویب نشد وپشت‌سرش هم در هفته گذشته تصمیمات شورای عالی فضای مجازی از هرگونه دادخواهی وشکایت افراد واشخاص مصون شد. باین حال می‌توان گفت طرح صیانت در جایی است که سرنوشتش برای ما مبهم ومعلوم‌است واینکه چه‌اتفاقی برایش خواهد افتاد،چون دیگر از شفافیت وبازخواست هم مصون است، ولی امیدواریم این کار با مردم نکند. باین مصوبه عملا موضوع فیلترینگ تمام ابزارهای پرکاربرد فضای مجازی مانند واتساپ، اینستاگرام وبقیه موارد قابلیت اجرایی دارد.» به گفته ی وی، اگر شورای نگهبان هم مصوبه هفته گذشته مجلس درباره اصلاح قانون آیین دادرسی وتشکیلات دیوان عدالت اداری را تأیید کند، هیچ شخص حقیقی وحقوقی نمی‌تواند شکایت کند که مثلا این تصمیم شماربرای اقتصاد، کسب‌وکار، زندگی و گردش آزاد اطلاعات وبرای این بخش از حقوق اساسی ما مضر است ودرخواست لغو آن را نمی‌توان داد. در آن مقطعی که این طرح در دست کمیسیون بود، ۸۵بعضو اکثر اعضا باهماهنگی ومهندسی شده‌جمع شده بودند تا تصمیمات به روز قانون کلی انتقال آن به شورای عالی فضای مجازی مسیر برورن‌تف خوبی بوده ولی بعد از آن در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت، از آن سخنان نوری را می‌توان از دو منظر بررسی کرد وبه دوفرضیه رسید؛ یکی اینکه احتمالا برخی نمایندگان ودوستان آقای نوری از اینکه بررسی طرح صیانت به شورای عالی فضای مجازی سپرده شده‌است، ناراضی ونگرانند وبه نوعی این ادعا را می‌توان نوعی واکنش به این مساله دانست. سواى این، اما ادعای دیگری که در این اظهارات وجود دارد ارتباط بین مصوبه اخیر مجلس در ارتباط با دیوان عدالت اداری واثرات آن بر طرح صیانت است که حالا در اختیار شورای عالی فضای مجازی است. این که آن مصوبه مجلس صرفا برای پیشبرد طرح صیانت بدون هیچ مانعی در مسیر شورای عالی فضای مجازی است، شاید زیادی بدبینانه به نظر می‌رسد، اما از آنجا که تقریبا هیچ چیزی غیرممکن نیست ونیت اصلی طراحان آن طرح هم فیلترینگ پلتفرم‌های مختلف نظیر اینستاگرام و... است، باید با تامل وتوجه‌بیشتری نسبت به تحولات اخیر وتصمیمات مجلس نگریست وآنهارا رصد کرد؛ چراکه شاید یکی از مهم‌ترین تصمیمات شورای عالی فضای مجازی تصمیم‌گیری در ارتباط با همین طرح صیانت استست واگر مرجعی برای دادخواهی در این‌باره نباشد ودیوان عدالت اداری هم شأن خود را در این مسیر از دست دهد، آن چیزی که مدت‌ها ترس وقوشر را داشتیم، بدون کمترین مشکلی اجرایی شود. به هرشکل، فارغ از اینکه نیت رئیس فراکسیون مستقلین ولایی مجلس از این اخبار واطلاعات چه بود، می‌دانیم که احتمال فیلترینگ برخی پلتفرم‌های محبوب فضای مجازی در ایران، به‌خصوص اینستاگرام بالاست. این احتمال بعد از انتشار طرح صیانت تشدید می‌شد وشاید بتوان آن را حتی قریب‌الوقوع هم دانست، بنابراین با محوریت همین مساله وب بررسی حقوقی مصوبه اخیر مجلس در ارتباط با دیوان عدالت اداری، صحنه‌آرایی جدید مجلسی‌ها را هم فنی و هم حقوقی بررسی خواهیم کرد.

مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی را قانونا از هر گونه شکایت و پاسخگویی مصون کرده است
گفتیم که نمایندگان مجلس ششورای اسلامی در جلسه علنی ۲۹خردادماه، در جریان بررسی طرح اصلاح قانون تشکیلات وآیین دادرسی دیوان عدالت اداری، به موجب تصویب تبصره‌ی ماده ۱۲۵ این قانون، رسیدگی به مصوبات شورای عالی فضای مجازی را از صلاحیت دیوان عدالت اداری خارج کردند. علی‌الکبر گرچی، حقوقدان، عضوهیات‌علمی دانشگاه شهیدبهبشتی و رئیس انجمن حقوق اساسی در نقد این مصوبه مجلس به «فرهیختگان» گفت: «مجلس به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد قانونگذار، با این برصوبه به‌عنوان صلاحیت‌رقبای خود ونهادهای غیرانتخابی را در عرصه قانونگذاری به رسمیت شناخته‌و مصوبات نهادهی مثل شورای عالی فضای مجازی را غیرقابل شکایت دانسته‌است، نهادهی که حالا اختیار تصمیم‌گیری درخصوص طرح صیانت از فضای مجازی را داراست.» این حقوقدان در گفت‌وگو با «فرهیختگان»، ایراد حقوقی وارد بر این مصوبه را این‌گونه تشریح کرد: «اعمال حاکمیت یا دولت‌به‌معنای کلی کلمه‌ونه‌به‌معنای دولت‌به‌عنوان قوهمجریه، دولت‌به‌معنای عام‌ان یعنی همه‌نهادهای اعمال‌کننده قدرت واقتدار، اعمال حاکمیتو همه‌نهادهای حکمرانی قاعدا تا باید تحت نظارت قرار داشته باشند تا احتمال خودسری و قانون شکنی در آنها وایجاد شدن حقوق، آزادی‌ها ومنافع عمومی توسط آنها کاهش پیدا کند. بنابراین قاعده‌ای روشن وواضح است که در نظام‌های مردم‌سالار، اصل بر نظارت‌پذیر بودن اعمال حکمرانی است ودر این زمینه هیچ استثنایی نیست. زمانی هم که می‌گوییم اعمال حاکمیتی بسان اعمال دیپلماتیک، نظامی یا امنیتی، نظارت‌ناپذیرند، مردامان نظارت قضایی است یعنی برخی اعمال حاکمیتی از شمول نظارت قضایی خارج هستند اما این به آن معنا نیست که این اعمال از قلمروی نظارت سیاسی ونظارت افتراق‌عمومی هم الزاما خارج هستند. به همین خاطر در نظام جمهوری اسلامی ایران ومتعاقب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هیچ نهادهی، هیچ مقامی وهیچ عملی نظارت‌گریز نیست. بالاترین مقام سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، مقام‌رهبری است که قانون اساسی حتی این مقام را نظارت‌گریز معرفی نمی‌کند وحتی بر این مقام نیز فرآیند نظارت‌و

پاسخگویی پیش‌بینی شده‌است. پس در جایی که قانون اساسی و کلیت فلسفه انقلاب اسلامی آن بوده که نهاده‌ها نظارت‌پذیر باشند تا امکان خردورایی پایین بیاید، چه جای آن است که ما پس از گذشت چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی، بخواهمیم نهادهایی را از زیر ذره‌بین نظارتی خود نهادهای قضایی جمهوری اسلامی ایران خارج کنیم؟ پرسش ما این است آیا نمایندگان که شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی و دیگر شوراها را از نظارت قضایی دیوان عدالت اداری (قوه‌قضائیه) مستثنی می‌کنند، به‌دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران اعتمادی ندارند؟ آیا اینها این دسته از نهاده‌ها را مصون از هرگونه خطا می‌پندارند؟ اگر چنین است، اخیر ادیده‌ایم برخی از همین نمایندگان درباره قضیه کنتکور، ششورای عالی انقلاب فرهنگی را با ادبیاتی نامناسب توصیف کرده بودند. بنابراین درحالی که هم اکنون بسیاری از نمایندگان مجلس فعلی نیز به‌پاره‌ای از اعمال و مصوبات این دسته از نهاده‌ها انتقادهای گاه‌تندی را وارد می‌کنند، اکنون چه‌جای آن است که بخواهمیم این دست از نهاده‌ها را رفرا نظارت وماقوق هرگونه نظارت قلمداد کنیم؟ آیا فراموش کرده‌اید که مصوبات این دسته از نهاده‌ها در حکم قانون است؟ و این شبه‌قوانین نه تحت نظارت شورای نگهبان است ونه به تأیید این شورا می‌رسد، نه تحت نظارت دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرد ونه مجلس شورای اسلامی صلاحیت وقصد نظارت بر آنها را دارد. آیا گمان نمی‌کنید که تقویت این دست از نهاده‌ها موجب بروز نا کارآمدی در جمهوری اسلامی می‌شود؟ آیا گمان نمی‌برد که انواع واقسام فسادهایی که جامعه ایران را محل آسیب قرار می‌دهد، ناشی از همین رویکرد نظارت‌ستیز است؟ آیا گمان نمی‌کنید که مستثنی کردن برخی نهاده‌ها از نظارت به‌معنای نادیده گرفتن بنیان‌های حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران است؟ بنابراین اینکه شما در حوزه فرهنگ، اینترنت وف فضای مجازی نهاد نظارت‌ناپذیری شکل داده‌ا از این جنبه‌اش نیز دفاع می‌کنید هر اتفاقی ممکن است؛ چرا که این نهاده‌ها خوش‌دان را دارای اختیار مطلق ونظارت‌ناپذیر قلمداد خواهند کرد وبه تبع آن هر لحظه ممکن است مصوبه‌ای را صادر کرده و همه قوای سیاسی کشور را مجبور به تبعیت از آن مصوبه کنند وبه هرکسی هم که به این فرآیند ایرادات قانونی و عمومی این نهادها معترض باشد، برچسب ضدانقلاب می‌زنند، غافل از اینکه این نهادها اساسا برای دفاع از اساس نظام است و دفاع از اساس نظام بسیار واجب‌تر از دفاع از کج‌روی‌ها است. مجلس شورای اسلامی صرف‌نظر از اینکه نقدهایی بر فرآیند انتخاباتش باشد یا نباشد، نهادهی اولاً متصل به رای واره مستقیم ملت است. ثانیاً مصوبات مجلس شورای اسلامی تحت نظارت نهادهی به‌نام شورای نگهبان قرار دارد. ثالثا مجلس شورای اسلامی نهادی است که اکثر فعالیت‌ها وتصمیمات او در معرض نگاه شفاف افکار عمومی است. رابعاً مجلس شورای اسلامی نهادی است که نمایندگان آن بالاخره با مردم ارتباط دارند و باید پاسخگوی رای دهنندگان به خود باشند. خامسا کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعال است اما بیشتر به‌عریضه‌هاوشکایاتی که علیه نهاده‌هاوقوای دیگر می‌شود رسیدگی می‌کند، البته هیچ مانعیتی برای شکایت از خود مجلس شورای اسلامی به این کمیسیون نیست اما این اتفاق کمتر رخ می‌دهد. با این حال می‌شود گفت مجلس هرگونه فعالیت وتصمیمی داشته باشد، زیر ذره‌بین شفافیت است وجلساتش علنی است اما جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی وهمجین شورای عالی مجازی علنی نبوده ومشخص نیست اینها پشت درهای بسته چه اقدامی کرده وجگونه درمورد سرنوشت یک ملت تصمیم‌گیری می‌کنند. به همین خاطر نظارت‌ناپذیر کردن نهادهایی که در آنها شفافیت کافی وجود ندارد و احتمال وقوع لابی‌گری‌ها واعمال نفوذها در آنها وجود دارد، نمی‌تواند رویکرد وتصمیم درستی باشد. بالاخره وقتی در این نهاده‌ها که گاه تصمیماتی گرفته می‌شود که مورد نقد جدی خود طرفداران وجود این نهاده‌ها است، چه جای مصونیت‌بخشی به این نهاده‌ها باقی می‌ماند؟»

همگرایی سازمانی، شاید مانع مخالفت با سیاستگذاری‌های نادرست در حوزه فضای مجازی
در ادامه‌ی معادالدین پاینده، مدیر آزمایشگاه داده وحکمرانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خاطرنشان کرد: «بحث اول این است که باید دید چه اتفاقاتی افتاد که بحث فیلترینگ اینستاگرام و پلتفرم‌های خارجی دوباره روی میز سیاستگذار قرار گرفت. به نظر می‌رسد دو اتفاق افتاد که محصول منطقی آن را می‌توان در طرح مجدد امکان‌سنجی فیلترینگ اینستاگرام جست‌وجو کرد. صد البته آنچه بیشتر محل نگرانی حاکمیت بوده فیلترینگ اینستاگرام است ولیکشین‌های دیگر همچون واتساپ حداقل هیچ‌گاه به اندازه اینستاگرام مساله حاکمیت نبوده‌است. اتفاق اول همگرایی نهادهی سیاسی است. همیشه در دولت‌هایی که به تعبیری غیروابسته به جناح اصلاح‌طلب بودند، دولت‌هایی که زمینه همگرایی، اتحاد یا هم‌پوشندن حاکمیت ودولت را فراهم می‌آورد همچون دولت اول احمدی‌نژاد، نهادهای دولتی وحاکمیتی در یک فضا وبستر دوستانه‌تر، صمیمانه‌تر وغیر خصمانه‌ای در کنار هم قرار می‌گیرند. اینکه چرا در حال حاضر وزارت ارتباطات را بیشتر در بحث بیان می‌کنیم، بخاطر همین ظرفیت همگرایی به وجود آمده‌است. در وضعیت کنونی کشور، مزبندی مشخص وتقابل بین شورای عالی فضای مجازی، مرکز ملی فضای مجازی و وزارت فاوا – دو دینفع اصلی این حوزه- دیده نمی‌شود؛ دواگانه‌ای که آقای جهرمی سعی کرد بسازد ونتیجه آن تولد چیزی به نام طرح صیانت شد که برای نهادهای حاکمیتی وبرخی نمایندگان مجلس هیچ هدفی جز احیای قدرت ومشروعیت شورای عالی در ساختار حکمرانی فضای مجازی کشور در آن وجودنداشت. حتی بسیاری از نمایندگان مجلس با توجه به این قضیه متقاعد شدند شورای عالی فضای مجازی در راس هرم وساختار حکمرانی فضای مجازی ما قرار دارد اما چنینی نادرستی و نا کارآمدی تعامل وزارت ارتباطات در دولت روحانی با این ساختار باعث شده‌بود این ساختار از حیز انتفاع ساقط شود وننواند کارکرد خط‌مشی گذاری کلان که باید داشته باشد را به درستی تمثیت کند. در شرایط کنونی جلسات، تعاملات و ارتباطات بین وزارت ارتباطات وشورای عالی فضای مجازی بسیار نزدیک‌تر وهمگرایانه‌تر جلوه می‌رود ودغدغه‌های این دو تا حد قابل توجهی همپوشانی دارد. این اولین چیزی است که یک‌بار دیگر فیلترینگ اینستاگرام را برحسته می‌کند.»

جنگ بین منتفعان کندی اینترنت با منتفعان تندی اینترنت سهم ترافیک داخلی، کمتر از ۹ درصد!
پاینده ادامه داد: «قسمت دوم ماجرا که فیلترینگ اینستاگرام را برحسته کرده وروی میز سیاستگذاران ما قرار داده چیست؟ اصل ماجرا به نظر اینجاست. درحال حاضر وزیر ارتباطات، زارع‌پور، طبق برنامه‌ها، فعالیت‌ها وبروزه‌هایی که اخیرا کار کردند که همه را می‌توان در یک منظومه‌ودیل یک ماموریت مشترک دید، عزم جدی دارد برای اینکه مساله کندی اینترنت وباین‌بودن کیفیت اینترنت وعدم توسعه اینترنت (افت کیفیت شبکه) را حل کند. ضریب نفوذ اینترنت ثابت ما کمتر از ۱۵ درصد است که آمار بسیار نگران‌کننده

اینستاگرام در کشور و انواع مصرف اینستاگرام در کشور نداریم. اینکه برای سرگرمی است یا دنبال کردن سلبریتی‌ها، تولید محتوا یا برای خریدوفروش و کسب وکارهای کوچک ومتوسط یا حتی برای دیدن فیلم وسریال استفاده می‌کنند. هیچ تصویر روشنی درحال حاضر نهادهای سیاستگذار ما از این مساله ندارند. اولین تامل اساسی که مطرح می‌شود این است تا زمانی که چنین تصویری وجود ندارد ورود کردن به بحث مداخله محدود‌کننده پلتفرم‌های خارجی (به‌طور خاص اینستاگرام) عقلایی نیست. تا زمانی که تصویری از وضع موجود ندارید، سیاستگذاری، با گذاشتن روی آب است ویک زمین‌ومسیری است که هیچ شناختی از آن ندارید وهرگونه تبعات اجتماعی واقتصادی وسایسی دور از انتظار نیست. صدالبته همه‌ما می‌دانیم پلتفرم فعالیت‌سیاسی -اجتماعی مردم اینستاگرام نیست و برای این قبیل فعالیت‌ها گزینه‌های دیگری وجود دارد، ولی درباره اینکه چه جنس مصارف یا چه جنس استفاده‌هایی غلبه دارد و اینکه فیلترینگ ممکن است کدام را مختل کند یا جایگزین‌های داخلی ما بیشتر این حالت کدام را برطرف کنند، تا زمانی که توصیف روشنی نداشته باشیم هرگونه حرکت عقلایی ومنطقی نیست. نکته دوم که بسیار مهم‌تر است اینکه درحال حاضر یک سری اتفاقاتی در کشور ما می‌افتد که برگرفته‌از شناخت نادرست یا نا کافی از وضعیت موجود است، مثلا عده‌ای معتقدند اینستاگرام صرفا دنبال کردن سلبریتی‌هاست. اقدام بحث‌برانگیزی که مجموعه رویبگو و همراه‌اول انجام داد این بود که با مفروض گرفتن اینکه مصرف اینستاگرام در ایران چیزی جز سلبریتی‌ها نیست، شروع کردند با سرمایه‌گذاری بدون پشتوانه و ایجاد انگیزه‌ها ومشوق‌های صرفا مالی برای سلبریتی، برخی از این سلبریتی‌ها را در قالب یک سری رویدادها وبرنامه‌های مختلف سمست رویبگو بیآوردند تا این سمت کاربران بیابند. اکنون درمورد این اقدام‌نه همراه‌اول ونه حاکمیت تصویر روشنی ندارند که چنین اقدامی موفق بوده یا خیر. اگر درست باشد که این حرکت آتیچان توفیقی نبافته‌است، شاید این فرضیه را تأیید کند فقط مساله سلبریتی‌ها نیستند وخیلی از مسائل روزمره زندگی افراد با اینستاگرام گره خورده و باید طراحی برنامه‌ریزی شده‌تر و چندبعدی‌ای داشته باشیم. چه اینکه آوردن سلبریتی‌ها باشوق‌های مالی تک‌بعدی تأثیری در تقویت رسانه‌های اجتماعی داخل نداشته‌است. بحث سوم تکنیک‌زدگی است. مرافب باشیم در دام تکنیک‌زدگی و اصالت‌بخشی صرف به فناوری نیفتیم. افراد بسیار زیادی از ابتدای شروع فیلترینگ اینترنت در کشور، افراد متخصص فنی، مهندس قدرتمند ومسلسلی که دغدغه‌های حکمرانی ومنفعت عمومی را دنبال می‌کردند همواره از دهه ۸۰ پیرامون وزارت ارتباطات وبعدتر پیرامون میزهای تصمیم‌گیری ششورای عالی فضای مجازی حضور داشتند واثما سعی می‌کردند بیان کنند موضوع صرفا فنی است وبه‌سادگی قابل انجام است و تردیدی در انجام آن نباید داشت. نتیجه این ماجرا را چندین بار حاکمیت ما دیده‌است؛ چیزی که بارها محبویت ومقبولیت واعتماد اجتماعی وسایسی وحتی ضمانت اجرایی تصمیمات سیاست‌گذاران سال‌های ۹۲ تا ۹۴ با همین نگاه در کشور انجام شد وب تغییر جزئی که اینستاگرام در پروتکل‌های فنی آدرس‌یابی اعمال کرد، بود چه چندده میلیاردی که به آب ریخته شد وشکست خورد. نتیجه، گرایش بیشتر به VPN ها و گرایش بیشتر به فیلترشکن‌ها در آن زمان بود و الان هم هیچ گونه مداخله نرم وسخت در زمینه اینستاگرام نتوانسته انجام دهد، یکی از سر لزرها می‌مادخله، مداخله صرفا فنی بود، وقتی مهندسان سیاستگذار ما مشورت می‌دهد لازم است سیاستگذار ابعاد اجتماعی واقتصادی ماجرا را هم ببیند.»

مواجهه با محصول فقط از طریق محصول ممکن است نه حذف وفیلتر بنگ
پاینده در پایان گفت: «به‌هرحال اگر یک پلتفرم در کشوری بیش از ۲۰ میلیون کاربر فعال دارد، نشان می‌دهد به اندازه کافی در ایجاد جریان اقتصادی، جذابیت اجتماعی وصری با اصطلاحا «قلاب کردن مخاطب» موفق بوده وپس از اینجا سراغ آخرین نکته قابل تامل می‌روم وتوصیه‌ای است که به سیاستگذار می‌توان کرد. مواجهه با محصول فقط از طریق محصول ممکن است تا زمانی که محصول قابل اتکای با کیفیتی که به‌سرعت وبه‌شکل ارگانیک، طبیعی یا درون‌زا کاربر وفادار خود را نتواند بسازد نداشته باشیم، سوارشدن روی یک سری اثرات شبکهای داخلی و خارجی هر یک از آنها با واکنش‌های پیش‌زنده ونظایر آن (حمایت بلاعوض) هیچ‌وقت نمی‌تواند کمک کند تا بتوانیم ترافیک داخلی را افزایش دهیم. کشورهایی که در این زمینه نتوانستند به توفیقاتی برسند بلااستثنا مزیت رقابتی ایجاد کردند ومزیت رقابتی را بخش خصوصی واقعی در آن کشورها ایجاد کرده‌است. مثال بارزی را بیان می‌کنم که خیلی خوب است برحسته شود. در سال ۲۰۱۵ وقتی پیام‌رسان واتساپ در چین فیلتر شد و از دسترس عموم خارج شد، سه پیام‌رسان دیگر در چین حضور داشتند که در آن زمان برای ایجاد جریان اقتصادی، جذابیت اجتماعی وصری یعنی رقابتی بین پلتفرم‌های مختلف داخلی وخارجی شکل گرفته بود. این‌طور نبوده که یک‌سری پلتفرم بعد از فیلترینگ واتساپ در چین ظهور کنند و مردم مجبوره به استفاده از آنها باشند. این جمله مهمی است. درمورد کشور گرایلی مثل چین هم حتی این گزاره نادرست است که فیلتر می‌کنند وبعد از آن نمونه‌های مشابه داخلی ایجاد و در دسترس مردم قرار می‌گیرد وبه محبوبیت می‌رسد. بعنوان یک مثال دیگر، اگر روزه‌های اخیر حوزه فناوری را رصد کنید خواهیم دید پویایی دائمی در این زمینه در جریان است. یک نمونه آن تیک‌تاک بود که توانست بدون هیچ پشتوانه خاصی با ساختن مزیت رقابتی وارد بازی غول‌های فناوری آمریکایی شود و تا امروز توانسته اثما بهتر شود و در برخی موارد در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ تعداد نصب فعال بیشتر از اینستاگرام هم بگیرد وباره‌ادر رقابت جدی با اینستاگرام باشد وحتی توانست در جریان‌هایی که در اینستاگرام ساخته می‌شود، اثرگذار باشد. کلاب‌هاوس نمونه دیگری بود که بدون اسم و رسم، ولی با ساختن مزیت رقابتی ومحمول توانست وارد بازی محتوا و رسانه اجتماعی شود وجای خود را پیدا کند. الان آن چیزی که سیاستگذاران ما باید به آن توجه کنند ولی آن غافل هستند، ترندهای جدید مثل مینی چت است که روزبه‌روز بیشتر کاربران نوجوان وجوان را به خود جذب می‌کند وب مزیت رقابتی که می‌سازد خود را متمایز می‌کند و این‌طور به‌صورت ارگانیک رویه‌جوبه در حرکت است. نکته بسیار مهم این است که بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران در مقطعی درخصوص توسعه شبکه ملی اطلاعات به حاکمیت این‌گونه مشاوره می‌دادند وهنوز هم می‌دهند که برای داشتن یک رسانه اجتماعی وبالاتر بد سهم ترافیک داخلی نیاز است بدون در نظر گرفتن عواید مالی (برگشت سرمایه ومحاسبات هزینه‌فایده) هزینه کند چون اینجا حوزه متمایزی استست وما دامی که مدت‌ها هزینه نکنند، جواب نمی‌گیرند. پاسخ این است الان زمانی است که مثال‌ها ونمونه‌هایی از این اتفاق را بیابورند وبه حاکمیت نشان دهند و با مصداق و مثال ومستند ادعای خود را اثبات کنند. به‌نظر می‌رسد این ادعا نه تنها بی‌پایه است، بلکه هزینه‌هایی قابل توجهی تا امروز به‌صورت سلبی وچه به‌صورت ایجابی با این منطق انجام شده که متأسفانه هیچ توفیقی به‌همراه نداشته‌است.»

یک نماینده مجلس گمانه احتمال فیلترینگ اینستاگرام و واتساپ را مطرح کرده است. یک مشکل مهم نگاه صیانتی‌ها چیست؟

آلترناتیوهای داخلی هیچ مزیت نسبی‌ای ایجاد نکرده‌اند

وضعیفی به لحاظ شاخص‌های توسعه‌ای است، حتی در مقایسه با کشورهای منطقه! درعین حال، یک توسعه نامتوازنی را در دولت قبل، تجربه کردیم؛ ضریب نفوذ اینترنت موبایل به بالای ۱۲۰ درصد رسیده که بسیار قابل توجه است. بین ۳۰-۲۰۰ کشور جهان در سال ۲۰۲۰ رفتم و به لحاظ کیفیت هم همین طور. اتفاقاتی در یک‌سال اخیر ما را از این خواب خوش بیدار کرد. اول اینکه براساس پژوهش‌ها و تجربیات کشورهای مختلف توسعه‌دسترس‌پذیری اینترنت و رفع موانعی که توسعه اینترنت در کشورهای درحال توسعه دارد به جز از طریق توسعه فیبر و توسعه فناوری‌های جدید ثابت مثل FTTX امکان‌پذیر نیست و دوم اینکه اینترنت موبایل با چالش‌های جدی اشباع ظرفیت مواجه شده است. یعنی از یک‌سو اینترنت همراه ما نیاز به باند‌های فرکانسی پایین‌تر دارد تا پوشش بیشتری بدهد و در باند‌های فرکانسی با صدواسیم‌ما درگیر است و هنوز حتی در دولت همگرای فعلی به جمع‌بندی و توافق نرسیده است. از سوی دیگر امکان اضافه کردن آنتن‌های مخابراتی که اجازه می‌دهند تعداد بیشتری از افراد با کیفیت به اینترنت همراه استفاده کنند، ااثما به تعویق افتاد وسرعت‌تر اهر کاری کنیم نمی‌تواند به اندازه سرعتی باشد که کاربران به شبکه اضافه می‌شوند و مصرف کاربران بیشتر می‌شود. مصرف کاربران در دوران کرونا و در دو سال اخیر حدود ۲-۲۵ برابر شده و این نکته مهمی است. همه جای جهان این اتفاق افتاده است، درصورتی که به این میزان پوشش اینترنت همراه را نتوانستیم افزایش دهیم. در اینترنت همراه فقط دربراه تهران طبق آمار رسمی در یک‌سال اخیر، از سه ماهه اول ۱۴۰۰ تا سه ماهه اول ۱۴۰۱ نزدیک به ۲۵-۲۰ درصد کیفیت شبکه تهران افت کرده، درحالی که هیچ عددی در کار نبوده است! البته ممکن است عده‌ای رضایت داده باشند که این اتفاق بیفتد ولی این سیاست طراحی‌شده نبوده است. از سویی دیگر، درمورد اینترنت ثابت کشور به‌صورت سنتی با چالش انحصار کابل کششی و داکت و مسیرهای انتقال کابل توسط مخابرات مواجه است. گزاره مهمی که در اینجا وجود دارد این است که در زمان خصوصی‌سازی شرکت مخابرات کابل، داکت و IP که سه‌ایتم بسیار مهم برای توسعه اینترنت در هر کشوری محسوب می‌شوند با ارزشگذاری صفر ربال به مخابرات واگذار شد وتلاش‌های جدی و دامنه‌دار در دولت گذشته که این موارد با قیمت‌گذاری شوند یا به‌عنوان کالای عمومی از مخابرات پس گرفته شوند، به نتیجه‌ماند و فقط IPها را توانستند در دولت‌قبل‌با بگردانند. در شرایط کنونی وزارت ارتباطات شدیداً دنبال این است که کیفیت اینترنت افزایش یابد اما همان‌طور که افزایش سرعت اینترنت و بهبود کیفیت اینترنت دینفعانی دارد، کندی اینترنت هم دینفعانی دارد. چرا؟ زمین بازی ما یا تصویری که الان با آن مواجه هستیم دینفعان کندی در برابر دینفعان کندی است. داستان این است که براساس آمار رسمی که شرکت ارتباطات زیرساخت ایران به‌عنوان تنها شرکت دارکننده اینترنت به‌ایران آماری را اعلام کرد که سهم ترافیک اینترنت اینستاگرام بخلاف آنچه در دولت آقای روحانی گفته می‌شد، اسهم ترافیک بین الملل نسبت به داخل ۷۰ به ۱۲۰ است، یعنی ۷۰ درصد ترافیک بین الملل داریم و ۳۰ درصد ترافیک داخل داریم. گاهی اوقات گفته می‌شد ۸۰-۲۰ است واجماع‌نمایی بر این بود که نسبت ترافیک داخل به ترافیک بین الملل ۲۰-۸۰ به ۸۰ است اما آماری که در یک ماه اخیر ارائه شد نشان داد اوضاع خیلی متفاوت است. شاید یک چیزی حدود ۹۰ درصد ترافیک بین الملل در کشور داریم و حدود ۱۰ درصد ترافیک داخل که اگر بخواهمیم مصرف دولت الکترونیک و اثناالهم که تا حدی ضروری هستند را کسر کنیم، به‌صورت خالص کمتر از ۹ درصد سهم ترافیک داخلی خواهد بود. این وضعیت برای همه ما وضعیت نگران‌کننده‌ای محسوب می‌شود؛ از این جهت که حدود ۷۰ درصد ترافیکی که ایرانی‌ها مصرف می‌کنند در اینستاگرام می‌گذرد، یعنی مربوط به اینستاگرام می‌شود و این عدد بسیار عدد جالب‌توجهی به لحاظ راهبردی و سیاستی است. اولاً قانون شبکه ملی اطلاعات، وزارت ارتباطات ووزارت‌های فعال در این حوزه اعم از ارشاد، معاونت علمی، صدواسیم‌ا، ساترا و اماثلهم (به‌عنوان نهاد همکار) را ملزم کرده که در بازه ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ که از آن عبور کردیم، سالیانه حداقل پنج درصد به سهم ترافیک داخلی در مصرف کاربران اضافه شود و الان این اتفاق نیفتاده است. در این قانون تصریح شده سهم خدمات پایه کاربردی داخلی باید به حدود ۴۰-۳۰ درصد از سبد مصرف کاربران تارسد و اهداف دیگر در این زمینه که تحت‌عنوان مزیت‌بخشی کیفی به ترافیک داخلی در قانون شبکه ملی اطلاعات یاد می‌شود. این یک قسمت ماجراست. ثانیاً قسمت دیگر ماجرا این است که سیاست‌هایی که دولت برای توسعه کیفیت اینترنت به‌جد دنبال می‌کند این نگرانی را بین یک‌سری نهادهای حاکمیتی و در اس‌ان آنهاشورای عالی فضای مجازی ایجاد کرده که این افزایش کیفیت اینترنت به‌معنای افزایش سهم اینترنت بین الملل خواهد بود؛ چالش سیاستی که در کشور برحسته می‌شود و جمع جبری آن این است که افرادی مجدداً به‌دلیل فیلترینگ اینستاگرام را روی میز سیاستگذار مای می‌گذارند. به‌عبارت دیگر، چالش اصلی این است که اگر این کیفیت را بالاتر ببرند واگر مردم سرعت بالاتر و اخیر کمتر را تجربه کنند، به این معناست که مردم گرایش بیشتر به مصرف پویوتوب، توییچ، اینستاگرام و... پیدا می‌کنند و باید تکلیف با اینها مشخص شود. چه جریان‌ها وروندهایی در فضای سیاستگذاری حوزه ارتباطات وفناوری اطلاعات بحث فیلترینگ اینستاگرام را مجدداً برحسته می‌کنند. در کنار این سده‌اند دیگری وجود دارد که پیام‌رسان‌های داخلی و فعالان بخش خصوصی در این حوزه از ابتدای این دولت به‌طور جدی طی نامه‌نگاری‌ها، پیغام‌ها، حضور در جلسات و به‌روش‌های مختلف مطالبه حمایت وتسهیلات دارند؛ این ادعا از سمت پیام‌رسان‌های داخلی مکرر مطرح می‌شود که دولت به ما کمک کند تا بتوانیم سهم بازار خارجی را محدود کنیم و ترافیک داخلی افزایش یابد ودولت نیز در رسیدن به اهداف وتکالیف قانونی خود توفیق یابد. چنین پیشنهادی را پیش‌روی دولت قرار دادند. پس، از طرفی فشار و محرک دیگری وجود دارد که هرچه زودتر دولت در این زمینه اقدامی انجام دهد و بتواند پاسخگوی مطالبه بخش خصوصی داخلی در این زمینه باشد.»

اطلاع نا کافی، شناخت نادرست و تکنیک‌زدگی مشکلات اصلی سیاستگذاری درباره اینستاگرام
مدیر آزمایشگاه داده وحکمرانی افزود: «این هم مزیدی بر علت است که بحث فیلترینگ اینستاگرام به میزهای سیاستگذاری بازگردد؛ اما پراستی ابعاد دیده‌نشده این موضوع چه هستند؟ ابتدا لازم می‌دانم روی این عبارت تاکید کنم که وضعیت فعلی موازنه ترافیک داخل و بین الملل در کشور ما (هرچه هست)، آینه تمام‌نمای سیاست‌هایی است که به‌صورت سلبی وایجابی در یک‌دهه گذشته اعمال کرده‌ایم وقطعا جز این نیست. بدترین کار این است که برای این وضعیت، توسعه اینترنت را محکوم کنیم وجلوی بهبود کیفیت و سرعت ودسترس‌پذیری اینترنت را بگیریم؛ چیزی که درحال حاضر از هر سیاست دیگری برای تحقق توسعه دانش بنیان و اشتغال آفرین در کشور ضروری‌تر است. در وهله اول، اینکه تا به‌امروز آمار و اطلاعات دقیق، قابل استناد از میزان مصرف مردم، میزان مصرف